

داستان هفت تپه و روستائیان ابوالفضل

پنجشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۰



یکسال پیش روز شنبه، ۸ شهریور ۱۳۹۹، نیروهای انتظامی و سپاه به تپه دستان روستای عرب نشین ابونخلیات که رژیم به آن نام روستای «ابوالفضل» گذارده، حمله ور شدند تا آنان را از سرپناه های روستایی خود برانند. بهانه این لشکرکشی این بود که «روستائیان ابوالفضل، اهواز سوءاستفاده کرده و در زمین های بنیاد مستضعفان اقدام به ساخت و سازهای غیرقانونی و بدون سند کردند.» در حالیکه بنیاد مستضعفان خود یک ارگان اشغالگر است و به صورت یکی از بزرگترین مرکز مالی و اقتصادی خاورمیانه، و همانند آستان قدس رضوی زیر نظر ولایت فقیه دارای صدها شرکت و شبکه های مالی و اقتصادی است. این روستا پیش از انقلاب ۵۷ مسکن تپه دستانی بوده است که برای کار در این محل سکنا گزیده بودند. این روستا نزدیک دو کیلومتری کلانشهر اهواز و بین شهرک زردشت و پدافند کیانشهر واقع شده و دارای ۳۰۰ خانوار و ساکنین آن سالهاست که در این منطقه سکونت داشته و با رنج و تلاش و تپه دستی به کشاورزی و کارهای فصلی روزگار می گذارند. نام تحمیلی حکومتی ابوالفضل بر این حاشیه نشین تپه دست، در برابر هجوم سپاهیان اسلام سپر نشد. شنبه، ۸ شهریور ۱۳۹۹، لشکر حکومتی برای سرکوب حمله آورد. آنان برای ویرانی روستا رفته ماموریت داشتند. تهاجم نیروهای مسلح که همراه با تیراندازی و گاز اشک آور همراه بود، بالیستادگی

زنان و کودکان و مردان این روستای ویران از ستم سرمایه‌داری و حکومت‌اش، در هم شکست. با رسانه‌ای شدن این تهاجم، و همزمانی با اعتصاب‌های کارگری در هفت تپه اهواز و ماهشهر و... حکومت را به عقب نشینی واداشت. تلاش و مقاومت زنان روستای ابونخلیات در برابر بنیاد غارتگر «مستضعفان» تا پای جان بود. فرمانده سپاه پاسداران، در نامه‌ای به سید پرویز فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، اقدامات سرکوبگرانه این بنیاد سرمایه‌داری را ارزشمند خواند.

سید پرویز فتاح، رئیس سازمان بنیاد مستضعفان در گفت و گوی تلفنی با آیت‌الله فرحانی نماینده رژیم در مجلس خبرگان رهبری از خوزستان، اعلام کرد: «بنیاد مستضعفان معمولاً با اقشار ضعیف تفاهم می‌کند و اصلاً روحیه بگیر و ببند در این سازمان نیست. بنیاد مستضعفان زمین زیادی دارد که در تصرف مردم هستند، بنیاد مستضعفان در هیچ جا چنین رویه و برنامه‌ای ندارد که قلع و قمع کند و بنای ما تفاهم و ملایمت با مردم است.» یکی از روستاییان گفت: «زمان شاهنشاه که سند می‌خواستیم حق مشروعیت به عرب نمی‌دادند می‌گفتند شما کشاورز هستید فقط می‌توانید کشت بکنید و بخورید توی این زمینها ادعای مالکیت نمی‌توانید بکنید. شاه ملعون که رفت از این دنیا، جمهوری اسلامی او مد گفت زمین‌ها مال زمان شاهه مال ساواکه بایستی مصادره بشه به اسم جمهوری اسلامی ایران، دقیقاً همون کاری که ساواک با ما کرد با اجداد ما کرد بنیاد هم داره همین کار را می‌کنه سند که می‌خواستیم بهمون نمی‌دادند.»

کارگران هفت تپه در برابر این تهاجم حکومتی نوشتند: داستان ما کارگران هفت تپه و روستائیان ابوالفضل اهواز یکی است. کارگران اعلام کردند که «رنج هفت تپه و ساکنین روستای ابوالفضل اهواز یکی است. اسدبیگی و بنیاد مستضعفان هم در غارتگری و زورگویی و چپاول از یک جنسند. اسد بیگی با رشوه و زد و بند با مسئولین دولتی هفت تپه را ربود، بسیاری از ما کارگران را اخراج و بیکار

کرد و در مقابل اعتراض برحق ما بارها نیروهای امنیتی و انتظامی را سراغ ما فرستاد، همکاران ما را دستگیر و شکنجه کردند. به جای تولید نیشکر و کالاهای دیگر، انبوه دروغ و فریب تولید کردند و به مردم تحویل دادند و در این کار همه مسئولین با یکدیگر متحد و همدل بودند تا اینکه اعتصاب و اعتراض ما چرتشان را پاره کرد و در میانشان شکاف انداخت. اگر ما هفت تپه‌ای‌ها همدل و متحد بمانیم، اینها مجبور میشوند چاره‌ای بنفع ما بیابند. راه دیگری ندارند.

عین همین داستان برای روستائیان ابوالفضل اهواز پیش آمد. همانطوری که هفت تپه‌ای‌ها بیکار و اخراج می‌شوند و یا اگر کار میکنند حاصل کارشان حسابهای بانکی باندهای همدست اسد بیگی را پر میکند، روستائیان روستای ابوالفضل اهواز هم باید بنا به مطامع بنیاد مستضعفان روستا و زمین‌هایش را ترک کنند و آنها را به بنیاد مستضعفان بسپارند. شاید بنیاد برای سوداندوزی و استثمار، دوباره همین روستائیان را مثل برده بکار بکشد، یعنی بقول خودشان ” کارآفرینی ” کنند. همانطور که اسد بیگی هفت تپه را صاحب شد، بنیاد مستضعفان هم صاحب روستای ابوالفضل اهواز میشود. با این تفاوت که بنیاد مستضعفان دیگر احتیاجی ندارد به دولت و خزانه ای پولی و رشوه ای پرداخت کند. قدرت مطلق دارد و روستا را بدون هیچی صاحب می‌شود.

روستائیان ابوالفضل در اهواز هم مانند هفت تپه در مقابل این غارت و زورگویی ایستادند. جوابشان را مانند هفت تپه با تهدید و گلوله و دستگیری دادند و دهها نفر از روستائیان در اثر گلوله زخمی شدند. اما صدایشان در سراسر ایران شنیده شد و مسئولین هم که دیدند چاره ای ندارند، حالا مثل جریان هفت تپه بعضی هایشان میگویند باید با مردم ” مشورت ” کرد ... یعنی با رضایت مردم روستا را از آنها بگیرند!

فقط سمبه پر زور کارگران هفت تپه و روستائیان ابوالفضل توانسته است، به زورگویی و غارت نه

بگوید و تابلوی ایست را مقابلشان بلند کند... با اتحاد محکم تا قطع کامل دست اسد بیگی و خصوصی سازی و دیگر اختاپوس های سوداندوزی و غارت ایستاده ایم».

<https://www.facebook.com/watch/?v=237346080902438>